

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۰ نومبر ۲۰۱۲

«اتحاد و مبارزه»

پیگیر علیه کارزار ایران تریبونال؟!

از روز ۱۸ جون ۲۰۱۲، یعنی روزی که دادگاه ایران تریبونال اجلاس خود را در لندن آغاز کرد راه کارگر (کمیته اجرائی) جمعی که چندی پیش از سازمان راه کارگر جدا شده اند تاکنون بخش عمده مبارزه خود را علیه تریبونال اختصاص داده اند. جهت گیری شان این شده است که هر نوشته علیه تریبونال را در فیس بوک، سایت سازمان و جانبی شان پخش می کنند. حتی دشمنی و خصومت علیه تریبونال به اتحاد و مبارزه مشترک و سه جانبه ای بین چریک های فدائی خلق (طرفدار رفیق اشرف دهقانی)، گروه توفان و راه کارگر (کمیته اجرائی) منجر شده است. اتحادی که تا ۱۸ جولای در مورد آن، کسی نه چیزی شنیده و نه خوانده بود. اما اکنون کادرهای راه کارگر به ویژه رفقاء احمد نوین و امیرجواهری هر نوشته ای را که علیه تریبونال منتشر می شود، بلافاصله از طریق امیل، فیس بوک و سایت هایشان باز تکرار می کنند.

در واقع یک بخش عمده مبارزه راه کارگر (کمیته اجرائی) در این مدت، علیه تریبونال بوده است. حتی سایت جانبی شان، یعنی سایت «روشنگری»، حتی یک نمونه از مطلبی را که من درباره تریبونال نوشته ام درج نکرده است در حالی که هر کسی در نوشته هایش به تریبونال حمله کرده و مشتکی تمهت و افتراء به آن زده، بلافاصله درج نموده است. قبل از این واقعه، روشنگری همه مقالات من را منتشر می کرد و اکنون هیچ مطلبی از من منتشر نمی کند در حالی که در برخی از این نوشته ها، شخصا به من نیز به دلیل این که از این تریبونال حمایت می کنم، حمله شده است. این اقدام راه کارگر (کمیته اجرائی)، نحوه برخوردش به دیگران و نحوه نگرش به آزادی بیان را به نمایش می گذارد. البته من در مورد درج و عدم درج مطالب در سایت روشنگری و سایت های دیگر حرفی و انتقادی ندارم. اگر اسمی از روشنگری می برم به این دلیل است که نگرش و سیاست این سایت و سازمان شان را نشان دهم و از سوئی رفقائی که نوشته های من را در روشنگری می خوانند بارها از من سؤال کرده اند که چه اتفاقی بین شما و مسئولین سایت روشنگری افتاده است که دیگر هیچ مطلبی از شما منتشر نمی کنند. جواب من به آن ها این بود که هیچ اتفاقی بین من و مسئولین سایت روشنگری نیفتاده و حتی جمله ای نیز بین ما رد و بدل نشده است.

تلاش های خصمانه علیه تریبونال به همین جا ختم نمی شود آن خانمی که به رئیس اصلی بی بی سی نامه مخفی می نویسد و می خواهد با خودش و یک رفیق دیگرش درباره تریبونال گفت و گو کنند و از رئیس بی بی سی سوال می کند که شما چرا این همه دادگاه تریبونال را انعکاس می دهید. سوال این است که نامه، نوع نامه نگاری به رئیس بی بی سی علیه یک کمپین سیاسی و اجتماعی، تلاشی برای برقراری رابطه مخفی با یک رادیوی امپریالیستی نیست؟ یا تریبونال که به طور علنی از همه رسانه های فارسی زبان و غیرفارسی زبان دعوت کرده بود که در دادگاه ایران تریبونال شرکت کنند، امپریالیستی می شود؟ و یا از همین نوع نامه ها به برخی وکلای تریبونال نیز فرستاده اند. سوال این است که آیا این نوع خصومت و دشمنی با تریبونال به نفع چه کسی و جریانی غیر از حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی تمام می شود؟! شکی نیست که همگان آزادند تریبونال و نظر و سیاست های هر جریان و فرد دیگری را مورد نقد قرار دهند اما تهمت و افتراء زدن کار زشت و ناروایی است.

چه سری است که راه کارگر (کمیته اجرائی) و متحدینش به این شکل زشت و زننده ای به ایران تریبونال برخورد می کنند؟ چرا محکومیت جمهوری اسلامی در یک دادگاه بی طرف و مردمی این چنین این ها را ناراحت کرده است که از

عنوان هائی هم چون تریبونال کارگر کش امپریالیست گرفته تا این که این تریبونال زمینه های حمله به ایران را فراهم می کند و غیره استفاده می کنند بلافاصله آذین بند سایت ها و فیس بوک های راه کارگر می گردد؟ متأسفانه سازمانی که به شناخته ترین رفیق دیروزی خود، یعنی رفیق «حسن حسام» در روز روشن پرونده سازی می کند روشن است که با دیگران چه رفتاری در پیش می گیرد. (مطلب رفیق حسن حسام را می توانید در ضمیمه همین نوشته مطالعه کنید و قضاوت نمائید)

خود این برخورد راه کارگر (کمیته اجرائی) با رفیق حسن حسام، به سادگی نشان می دهد که مشکل اصلی مخالفان تریبونال از یک سو با رفقای سابق شان است و از سوی دیگر، فکر می کنند از قافله عقب مانده اند. در دهه شصت به ویژه تابستان سال ۱۳۶۷، حکومت اسلامی هزاران زندانی سیاسی را که دوران زندان و محکومیت خود را می گذراندند با وحشی گری هرچه تمام تر در آمفی تئاترها و سالن های نمازخانه های زندان ها به دار آویخت و یا تیرباران کرد. قبل از آن نیز با دادگاه های صحرایی خلخالی هزاران نفر را اعدام کرده بودند. در این کشتارهای وحشیانه نه دادگاهی در کار بود و نه وکیل مدافع و نه زندانی حق دفاع از خود را داشت. تنها، یک کمپسیون مرگ، با در دست داشتن حکم قتل زندانیان سیاسی از سوی خمینی، با چند پرسش کوتاه و پاسخ هائی، حکم مرگ صادر می کرد. بسیاری از این زندانیان، پیش از آن، به دادگاه رفته و حکم های زندان گرفته بودند و برخی از آنان که حتی دوران محکومیت خود را گذرانده بودند، نیز اعدام شدند.

آمار دقیق جانباختگان این کشتار همگانی روشن نیست. حکومت اسلامی تاکنون از دادن هرگونه اطلاعات در باره این کشتارها و مکان گورهای دسته جمعی جان باختگان این بیداد عظیم خوداری کرده است. اما، تاکنون نام پنج - هزار نفر از این جان باختگان، به وسیله خانواده ها، احزاب، سازمان های سیاسی و نهادهای حقوق بشری روشن شده است. گورستان خاوران در جنوب تهران، یکی از گورهای شناخته شده ای است که بازماندگان و خانواده های زندانیان سیاسی از آن اطلاع یافته اند. خانواده های جان باختگان و مادران داغ دیده هر سال در دهم شهریورماه [سنبله] به یاد و در گرامی داشت عزیزان خود در آن گرد هم می آیند.

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، اوج و حشی‌گری و آدم‌کشی حکومت اسلامی بود. از جمله می‌توان از کشتارها و اعدام‌های سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ نام برد که در این مدت بیش از ۲۰۰۰۰ تن ناپدید شدند و یا زیر شکنجه و یا تیرباران و دار زده شدند.

در تمام این سالها حکومت اسلامی سعی کرده است بر این جنایات خود پرده بکشد و یا در جامعه فراموش گردد. اما گروهی از خانواده‌های این جان باختگان، بخشی از زندانیان سیاسی جان بدر برده از کشتارهای دهه شصت، فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری طلب حقوق زنان و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق کودکان و دیگر زمینه‌های مبارزاتی، با تلاش‌های پیگیر خود نگذاشتند حکومت اسلامی به اهداف خود برسد.

تا این که پنج سال پیش، اواخر شهریور ۱۳۸۶ برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از اعضای خانواده‌های جان سپردگان دهه شصت و جان به‌دربدگان از کشتار زندانیان سیاسی در این دهه، که در اردوئی تابستانی در یکی از جزایر اطراف شهر استکهلم شرکت بوده بودند، کارزاری را برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، با یاری و همراهی فعالان عرصه‌های سیاسی و اجتماعی آغاز کردند.

فعالان این کارزار، بعد از یک سال بحث و بررسی و تحقیق در زمینه دادگاه‌های غیردولتی و...، نام «ایران تریبونال» را از میان اسامی پیشنهادی، انتخاب کرد و دهه شصت به عنوان خونین‌ترین دهه در دوران حکومت جمهوری اسلامی، به دهه خونین نام‌گذاری شد.

ایران تریبونال، برای پیش برد این کمپین مردمی، بیش از هر چیز دیگری، از یک سو برای جمع‌آوری کمک‌های مالی به جامعه مراجعه کردند. و در این راستا، اشکال مختلفی را از گرفتن وام از بانک‌ها گرفته تا جمع‌آوری کمک مالی در مناطق ایرانی نشین شهرهای اروپائی و برگزاری مراسم‌هایی با هدف جمع‌آوری کمک به کار گرفتند. از سوی دیگر، به یک تیم حقوقی متشکل از حقوقدانان مجرب و آشنا به حقوق بین‌الملل نیاز داشتند، به دنبال آن رفتند.

گروه کار بین‌الملل، در سپتامبر ۲۰۱۰ موفق شد تیم حقوقی بین‌المللی کارزار ایران تریبونال را با شرکت پانزده حقوقدان ایرانی و حقوقدان سرشناس جهانی از کشورهای افریقای جنوبی، بلژیک، المان، کانادا، امریکا و انگلیس سازماندهی و یک کنفرانس (تلفونی) بین‌المللی با حضور دوازده تن از آن‌ها اول اکتوبر ۲۰۱۰ برگزار کند. پیش از آن نیز، در یازده فیروری ۲۰۱۰، کنفرانسی برای تدوین پیش‌نویس روند و مراحل دادرسی برگزار شده بود. پیش‌نویس به فاصله یک ماه بعد از چند دور بحث و گفت‌وگوی کارشناسانه آماده و برای تصویب در اختیار کارزار قرار گرفت. مجمع عمومی کارزار آن را به عنوان اولین سند حقوقی ایران تریبونال که برای نخستین بار در تاریخ، موازین یک دادگاه مردمی را متناسب با کشتار زندانیان سیاسی در ایران ترسیم می‌کند، به تصویب رساند و آن را در سایت خود منتشر کرد.

کمیته راهبردی از پنج فیروری ۲۰۱۱ تا سه هفته پیش از برگزاری مرحله نخست دادگاه در لندن به تاریخ ۱۸ تا ۲۲ جون ۲۰۱۲، سند حقوقی کارزار را بازنگری کرد، نحوه برگزاری دادگاه را مورد بحث و بررسی قرار داد و به خواست مجمع عمومی کارزار، به ویژه خانواده‌ها، سندی منتشر کرد که براساس آن دادگاه در دو مرحله برگزار شود. دو مرحله‌ای شدن دادگاه، این فرصت را ایجاد می‌کرد شمار بیش‌تری از خانواده‌ها و جان‌به‌دربدگان از کشتارهای دهه شصت شهادت دهند. کادر اسما، که تجربه کمیسیون حقیقت‌یاب افریقای جنوبی را در کارنامه خود داشت، معتقد بود ایران تریبونال باید، به رغم این که جنایتی که جمهوری اسلامی در دهه شصت

در زندان‌ها مرتکب شده، کاملاً روشن است و نیازی به حقیقت‌یابی ندارد، با این حال ایران تریبونال برای محاکمه مردمی جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، لازم است به اسناد حقیقی و حقوقی که خود تولید می‌کند، تکیه کند. از این رو، وی پیشنهاد کرد، مرحله نخست دادگاه به «حقیقت‌یابی» اختصاص یابد. پیشنهاد وی با استقبال برگزارکنندگان و تمامی اعضای کمیته راهبری قرار گرفت و دو مرحله شدن دادگاه به تصویب کمیته راهبردی و مجمع عمومی کارزار رسید. بنا بر طرح پیشنهادی، قرار شد، در مرحله اول دادگاه، کمیسیون حقیقت‌یاب برگزار شود و در مرحله دوم براساس گزارش و اسنادی که کمیسیون منتشر می‌کند، جمهوری اسلامی محاکمه شود. در مرحله دوم، هجده تا بیست شاهد با ترکیب متفاوت شهادت خواهند داد.

کمیته راهبردی، نحوه و زمان و مدت برگزاری هر دو مرحله دادگاه را با توجه به امکانات کارزار در هماهنگی و مشورت با سایر بخش‌های کارزار مورد بررسی و تصویب قرار داد و قرار شد با توجه به امکانات و منابع محدود کارزار ایران تریبونال، به ویژه به لحاظ مالی، کمیسیون حقیقت‌یاب به مدت پنج روز در لندن برگزار شود. در این پنج روز، هشتاد تن از اعضای خانواده‌ها و جان‌به‌دربرندگان از کشتارهای دهه شصت، فرصت می‌یابند به نمایندگی از هزاران خانواده و هزاران زندانی سیاسی آن دهه، شهادت دهند. قرار شد، مرحله دوم به مدت سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتوبر ۲۰۱۲ در یکی از شهرهای لاهه یا استکهلم برگزار شود. این دو شهر، به ویژه لاهه، که به شهر دادگاه‌ها در جهان شهرت دارد و استکهلم محل برگزاری مرحله دوم دادگاه راسل بوده است، به لحاظ تبلیغی به موفقیت ایران تریبونال کمک خواهند کرد. در مسیر اقدام برای یافتن ساختمان مناسبی برای مرحله دوم دادگاه، گذر کارزار و فعالان آن به لاهه رسید.

مجموعه‌ای از گروه‌ها و شبکه‌های کاری توسط فعالان کارزار، که عموماً از اعضای خانواده‌ها و جان‌به‌دربرندگان هستند، به صورت جمعی و فردی در شهرها و کشورهای مختلف ایجاد شد. این مجموعه، فعالیت‌های دامنه‌داری را در زمینه‌های تبلیغی، اجرایی و جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی به اجرا در آورده است. به این مجموعه، باید هیأت هماهنگی و گروه سخن‌گویان کارزار، که تعداد آن‌ها در دوره‌های مختلف با افزایش و کاهش فعالان کارزار و گروه‌های کشوری کار کارزار تغییر می‌کند، گروه کار تبلیغات سراسری، گروه کار مالی سراسری و گروه مدیا را اضافه کرد.

در برگزاری دادگاه ایران تریبونال، تمامی فعالیت‌ها داوطلبانه انجام گرفته و همه به طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها و پیش‌برد کارها شرکت داشته‌اند. در واقع این نوع سازماندهی مردمی، بدون سانسور الیزم با سیاست و مرزهای مشخص، یک کمپین دمکراتیک مردمی، با دخالت مستقیم زخم‌خوردگان حکومت اسلامی و بدون اتکای اقتصادی و سیاسی و قضائی به احزاب، سازمان‌های بین‌المللی رسمی و دولت‌ها در راستای محاکمه جمهوری اسلامی است.

کارزار ایران تریبونال، از روزی که اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی برای تأمین هزینه‌های دادگاه کرد، کمک‌های مالی را در پایان هر ماه در وب‌سایت خود، منتشر نموده است.

نهایتاً مرحله نخست دادگاه رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، به مدت پنج روز، از ۱۸ جون تا ۲۲ جون ۲۰۱۲ در مرکز اقدام حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل در لندن با موفقیت چشم‌گیری برگزار شده بود و انعکاس وسیعی در نزد افکار عمومی جامعه ایران و جهان داشت. در این مرحله از دادگاه، قضات تحقیق عضو کمیسیون حقیقت‌یاب، متشکل از شش حقوقدان و شخصیت برجسته و مترقی جهانی، ۷۵ تن از اعضای خانواده‌های جان‌سپردگان دهه شصت و جان‌به‌دربرندگان از اعدام‌های دسته‌جمعی و کشتار زندانیان سیاسی در این دهه

را، به دادگاه فراخواندند و از آنان تحقیق به عمل آوردند. شاهدان، از چهل شهر و استان ایران و از میان همه گرایش‌های سیاسی انتخاب شده بودند که حکومت جمهوری اسلامی، عزیزان شان را در دهه شصت اعدام و یا زندانی و شکنجه کرد.

مرحله دوم دادگاه ایران تریبونال، به مدت سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتوبر ۲۰۱۲ در سالون اکادمیک حقوق ساختمان صلح دادگاه لاهه برگزار شد. دادگاه، ساعت یک بعد از ظهر روز شنبه ۲۷ اکتوبر ۲۰۱۲ به کار خود پایان داد و قضات برای رأی و صدور حکم مقدماتی وارد شور شدند. تا این که دادگاه، ساعت چهار و نیم بعد از ظهر کار خود را از سر گرفت. قاضی یوهان کریگر رئیس دادگاه، حکم مقدماتی محکومیت جمهوری اسلامی را که در پنج صفحه تدوین شده است، قرائت کرد و به این وسیله، دادگاه در یک حکم مقدماتی بر طبق موازین حقوقی بین المللی، جمهوری اسلامی ایران را به قتل و کشتار و شکنجه و تجاوز برنامه ریزی شده در دهه شصت متهم کرد و آن را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم کرد. دادگاه حکم نهایی خود را به فاصله دو تا سه ماه صادر خواهد. این یک دستاورد بزرگ سیاسی، اجتماعی و قضائی برای مردم آزاده، خبری خوش برای همه خانواده های داغ دیده، برای همه نیروهائی که در جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی با هدف برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی بدون خشونت و بدون زندان سیاسی و شکنجه و اعدام و سانسور و بدون نابرابری و فقر مبارزه می کنند، است.

به این ترتیب، از ویژگی های مهم دادگاه مردمی ایران تریبونال، علنی بودن و مردمی بودن آن است. این دادگاه به روی همه رسانه ها باز بود. نهایتاً محاکمه و محکومیت جمهوری اسلامی ایران در دادگاه لاهه، یک دستاورد مهمی برای مردم آزادی خواه و عدالت جوی ایران و برای همه مخالفان جمهوری اسلامی است. دادگاهی که مستقل است و هیچ رابطه سیاسی و مالی با هیچ حزب، سازمان، نهاد و دولتی ندارد و تنها با اتکاء به حمایت مردمی، این موفقیت بزرگ را کسب کرده است.

هر انسان علاقه مندی می تواند به سایت دادگاه دهه خونین مراجعه کند و از اول تا آخر اسناد و گزارشات مالی، سیاسی و قضائی آن را مطالعه کند و به قضاوت عادلانه بنشیند.

به این ترتیب، فعالیت ایران تریبونال، به شکل قبلی پایان یافته و بی شک فعالان آن، این کمپین را به اشکال دیگری ادامه خواهند داد. ترجمه اسناد تریبونال به زبان های مختلف و رساندن آن ها به دست تشکل های دموکراتیک کارگران، زنان، دانش جویان، سازمان ها و احزاب و نهادهای بین المللی و هم چنین ادامه جمع آوری اسناد از خانواده های جان باختگان، نیازمند یک شبکه بزرگ بین المللی است. و یا این که تلاش برای برپائی دیوارهای یادبود در شهرهای مختلف اروپائی صورت گیرد و...

پنج شنبه هجدهم آبان [عقرب] ۱۳۹۱ - هشتم نومبر ۲۰۱۲

ضمیمه:

حسن حسام

به کجا می رویم؟

برمتن سند سازی سایت زیر مجموعه هیأت اجرایی راه کارگر

من در تاریخ بیست و دوم سپتمبر در شب یادمان قتل عام شدگان دهه شصت در استکهلم، شرکت کردم و سخن گفتم. و در پایان گفتارم اشاره داشته ام به زلالی یعنی شفافیت اقدامات و منابع مالی ایران تریبونال و نقد تهمت زنان و منتقدانی که مرعشان هم چنان یک پا دارد! (برای آشنائی با گفتار من می توانید به لینک شماره یک رجوع کنید) در تاریخ شش اکتوبر سایت خیری جنبش خرداد وابسته به منشعبین از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که با نام «هیأت اجرایی راه کارگر» فعالیت می کنند، مطلبی منتشر کرده است، زیر عنوان «در حاشیه سخنرانی حسن حسام در استکهلم».

در این حاشیه نویسی به خاطر همکاری آقای پیام اخوان و یکی دو نومحافظه کار، نه تنها بر وابستگی ایران تریبونال به امپریالیسم جهانی و... پا فشاری شده، که برای من هم پرونده سازی شده است! هرچند من به صراحت تأکید می کنم که سازمان دهندگان و خود پروژه «ایران تریبونال» را تأیید و از آن حمایت می کنم؛ اما بحث تفصیلی مربوط به آن را به وقت دیگری واگذار می کنم. بحثی که وجوهی مختلف دارد و چند و چون آن باید با مسؤولیت بررسی شود. در این جا اما وجه دیگر عملکرد منشعبین ما مورد بحث است: «پرونده سازی ژدا نفی». پرونده سازی علیه من و همان طور که قلمزن مذکور آورده است «هم فکرا نم» یعنی رفقای تا دیروز خود «هیأت اجرایی راه کارگر». کسانی که با هم «راه کارگر» را بنا نهادند، بالنده اش کردند و برای پیش برد آرمان های شریفش تا پای جان مایه گذاشته و می گذارند! در این جا لازم است تأکید کنم که اولاً، حتی اگر سند سازی و مسائل بعد آن که در زیر خواهد آمد هم نبود، خود نوشته به اندازه کافی حیرت آور و مشمئزکننده است. ثانیاً، اگر قلمزن نوشته «در حاشیه سخنرانی حسن...» مدعی شود که نوشته، حسن حسام را هدف قرار نداده و یا او را در شمار کسانی که بوی کباب شنیده اند قرار نداده است، الصاق عکس مربوط به نشست برگزار شده در پارلمان فرانسه به مطلب مذکور، حتی بدون اسناد دیگر کافی است تا این مدعا بی پایه شود.

اما روند و جهت گیری این پرونده سازی و سند سازی:

در ابتداء مطلب «در حاشیه سخنرانی حسن حسام...» همزمان در پیشانی سایت «هیأت اجرایی» و «سایت خیری راه کارگر» مربوط به هیأت اجرایی انعکاس یافت.

چند ساعت بعد در همان سایت ها عکسی از یک جلسه (که من در آن دیده می شوم) در کنار مطلب مذکور زیر عنوان (برگزاری سمینار بین المللی در باره ایران در پارلمان فرانسه) به نوشته اضافه شد، و سرانجام آرایش مطلب در هر سه سایت «هیأت اجرایی راه کارگر» به صورت زیر «تحول!!!» پیدا کرده است:

پائین مطلب «در حاشیه...» زیر عنوان «فاکت ها از «زلالی» سخن می گویند»، مطالب زیر را اضافه کرده اند:

- گزارش العربیه به تاریخ چهارده سپتمبر ۲۰۱۲

تکذیب و اصلاح خبر آشفته العربیه توسط رفیق هدایت سلطان زاده -

- مصاحبه دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران در تاریخ پنجم اپریل ۲۰۱۲

سه اظهار نظر متفاوت توسط فردی به نام سیروس ضیاء (لینک شماره دو) -

یک یا دو روز بعد، مطلب از ستون اصلی سایت هیأت اجرایی راه کارگر برداشته شده و در ستون «گزیده مقالات» رسیده از دیگر رسانه ها منتقل شده است. و همزمان کلیه این «اسناد» به سایت ها و وبلاگ ها و فیسبوک ها ارسال شده است.

هیأت اجرائی راه کارگر که پشت سایت دست ساز خودش پنهان و آشکار شده، چکیده حرفش این است که «دفاع» حسن حسام از ایران تریبونال به خاطر این است که وی: بوی کباب شنیده، پشت توده های کار و زحمت را خالی کرده، قدرت و امکانات عظیم مالی امپریالیستی به وسوسه اش انداخته و زانوان او را سست کرده است و دارد درکنار کسانی که خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع در کردستان اند، در کنگره امریکا و پارلمان فرانسه عرض حال می نویسد!!!

اسناد مورد ادعای «هیأت اجرائی» راه کارگر یعنی هم تشکیلاتی های سابق من، هم همین چیزهایی هست که روایت کردم و لینک آن ها را برای آن دسته از خوانندگانی که آن را ندیده اند در این جا ضمیمه می کنم. قبل از اظهار نظر در باره این اتهامات، ببینیم مواد اولیه این پرونده سازی ها چه بوده است.

الف: من نه تنها در هیچ جلسه کنگره امریکا شرکت نکرده ام، حتی هیچ رسانه امریکائی هم با من گفت و گو نکرده است! هر چند گفت و گو با رسانه های امپریالیستی را - اگر بدون تزلزل از مواضع انقلابی مان حرکت کنیم و تنها و تنها امر انقلاب و منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را در نظر داشته باشیم - سازش با امپریالیسم و تسلیم طلبی نمی دانم.

ب: راه کارگر مدت ها پیش از انشعاب «هیأت اجرائی» از ما، بعد از «تعلیق» مناسبات رسمی با حزب دموکرات کردستان ایران به خاطر تبریک دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران به انتخاب جورج دبلیو بوش؛ همواره در سال گردهای ترور دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی در پرلاشز حاضر می شد و می شود و در اعتراض به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی بر مزار مقتولین گل می گذاشت و می گذارد. این امر نه تنها مورد اعتراض تشکیلات - چه قبل از انشعاب و چه بعد از انشعاب - قرار نمی گرفت که به عکس یک سنت تأیید شده بوده و هست و ربطی به مناسبات رسمی سیاسی ما با حزب دموکرات نداشته و ندارد. (متن دعوت نامه اخیر در پایان مطلب آمده است. شماره چهار)

ج: همین طور که در لینک پیوست (لینک شماره سه) ملاحظه می شود من و «هم فکرا نم» در جلسه ای تحت عنوان «جامعه امروز ایران و مسأله خلق های غیرفارس» از طرف حزب دموکرات و انستیتو کرد به مناسبت «بیستمین سالگرد ترور زنده یاد دکتر سعید شرفکندی و یارانش» دعوت شده بودیم، نه «سمینار بین المللی در باره ایران در پارلمان فرانسه» و نه بر اساس داعیه کاملاً ساختگی العربیه، حول موضوع «ایران در بستر قیام های بهار عربی» و «مسأله ملیت های ایرانی»!

اما در این جلسه ما در بخش دوم سالون، قسمت خروجی نشسته بودیم! محل سالون هم نه سالون های اصلی پارلمان فرانسه، که در طبقه سوم زیرزمین بود که معمولاً در اختیار جریان های جهان سومی قرار می گیرد. و برای آن که خیال متظاهران به پوشیدن دستکش «سفید» راحت شود، آب و دانه ای هم در کار نبود!

در این جلسه همه مدعوین شنونده بودند هر چند، چند نفری هم در پاسخ و پرسش شرکت کردند. جو شونیستی حاکم بر سخنان برخی از سخنرانان البته فضاء را برای من و «همفکرا نم» سنگین کرده بود.

پس معلوم می شود که حسن و حسین هر دو برادران مغاویه نیستند!!!

د: مضحک ترین بخش این «سند سازی» چسباندن ترجمه مصاحبه دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران پنج ماه قبل از برگزاری کنفرانس یاد شده است؛ بدون این که کوچک ترین ربطی به گفتار من در استکهلم و یا شرکت من در سمینار مذکور داشته باشد!

و سرانجام این که، اگر سند سازی های ناشی از بی اخلاقی محض نبود، شخصاً اهمیتی به حاشیه نویسی گفتارم در سایت زیر مجموعه «هیأت اجرائی راه کارگر» نمی دادم. وقتی خود هیأت اجرائی منشعب از ما، در اعلامیه رسمی شان مربوط به ایران تریبونال، کمیته مرکزی راه کارگر را با بی اخلاقی تمام و به ناروا موافق تحریم های امپریالیستی، مدافع جنگ و همدست امپریالیست ها معرفی می کند؛ از حاشیه نویسی هیأت اجرائی راه کارگر چه انتظاری باید داشت؟ تنها نکته تازه ای که هیأت اجرائی راه کارگر از زبان حاشیه نویسیش بیان داشته همانا تأکید بر توبه کاری و توابیت و ندامت است!!!

حاشیه نویسی هیأت اجرائی راه کارگر ناصحانه به من می گوید «کسانی مثل حسام که عمری را در راه مبارزه برای آزادی، عدالت و سوسیالیسم سپری کرده اند، هنوز فرصت آن را دارند تا خطا های فاحش خود را جبران کرده و شجاعانه در صف مبارزان سوسیالیسم و آزادی قرار داشته باشند. به امید آن روز»
یعنی اسناد افشاءگرانه منتشر شده در سایت جنبش خرداد، سایت زیر مجموعه هیأت اجرائی راه کارگر، همدستی من را با امپریالیسم و پشت کردن مرا به سوسیالیسم اعلام و سپس راه توبه و توابیت و ندامت را به من نشان می دهد!!!

آیا به این می گویند راه حل کمونیستی یا راه حل رژیم جمهوری اسلامی؟!!!!
البته برای من و همه آن ها که زندگی ام را دنبال کرده اند، این اتهامات چنان نازل و غیر جدی است مانند آن است که آشفته حالی بیاید، روز روشن را شام تیره بنامد! امروزه کسی برای این فحشنامه ها پیشیزی ارزش قائل نیست. همین طور من را با رجاله های سیاسی، پادوهای معطوف به قدرت و شاگردان سخت کوش مکتب «بریا» ها و «ژدا نف» ها کاری نیست. اما وقتی که دوست خنجر از پشت می زند و برای در هم شکستن و خراب کردن رفیق چهل ساله خود با بی انصافی و بی اخلاقی تمام شیوه «برنامه هویت» سازان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را گزین می کند؛ زخم، کاری می شود! و هر اسم از فردائی است که قدرت، انسانیت انسان آرمان خواه را به نابودی بکشاند!

رفقای هنوز هم گرامی در سازمان هیأت اجرائی راه کارگر!
با این شیوه های ویرانگر و تقلید از شیوه پرونده سازی ارتجاع حاکم و سلف آن، با خراب کردن رفقای تا دیروز متحد خود، نمی توان علیه تجاوز امپریالیستی نیرو بسیج کرد. نمی توان علیه ارتجاع داخلی و خارجی جنگید. نمی توان اکثریت اهالی، اکثریت اردوی کار و زحمت را از انسانیت عمیق سوسیالیستی مطمئن کرد، نمی توان برای استقرار سوسیالیسم از همین امروز مبارزه کرد. آری رفقاء با این شیوه ها اومانیزم مارکسیستی را نه تنها نمی توان به جهان اثبات کرد، که نمی توان عاشق بود و برای دنیائی بهتر، دنیائی دیگر و دنیائی انسانی تر جنگید.
صد سبد سخن در سینه دارم پر از درد اما، فعلاً همان به که لب فرو بندم و خاموشی برگزینم.

حسن حسام

پاریس، ۱۴ اکتوبر ۲۰۱۲

<http://www.rahekaregar.com/maghalat/2012/09/30/hassan.htm> یک

<http://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1063&Id=448&pgn=>

<http://rahekargar.wordpress.com/2012/09/21/99793/>سه

چهار- دعوت نامه حزب دموکرات ایران :

کاک حسن عزیز

با عرض سلام و ارادت

روز جمعه ۱۴ سپتمبر ۲۰۱۲ از ساعت ۱۴ تا ۱۹ بعد از ظهر کنفرانسی تحت عنوان: "جامعه امروز ایران و مسأله خلقهای غیر فارس"، با همکاری انستیتو کرد در گرامیداشت بیستمین سالپاد زنده یاد دکتر شرفکندی و یارانش در یکی از تالارهای پارلمان فرانسه برگزار می گردد.

محل برگزاری کنفرانس:

Salle Victor Hugo

, ۱۰۱ rue de l'Université

۷۵۰۰۷ Paris

Métro : Ligne 13, station : Invalides

ورود به سالن کنفرانس از ساعت ۱۳/۳۰ شروع خواهد شد.

در ضمن، روز یکشنبه ۱۶ سپتمبر ۲۰۱۲ مراسمی در قبرستان پرلاشز خواهیم داشت. ساعت ۱۳/۴۵ در جلو درب اصلی پرلاشز واقع در بولوار منیلموننتان Boulevard Menilmontant گرد آمده و در ساعت ۱۴ به طرف آرامگاه شهداء حرکت خواهیم کرد.

قربانت،

خسرو عبداللهی